روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

پنجشنبه | ۲۷ آبان ۱۴۰۰ | ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ | ۱۸ نوامبر ۲۰۲۱ | سال چهاردهم | شماره ۳۳۵۳ | ۸ صفحه | ۳۰۰۰ تومان

| ۱۱۸۳ سال و ۳۳ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.14 | NO.3353 | THU.NOV.18, 2021 | ISSN:2008-2886

نگاهی به فیلم «روز بلوا» که قرار است در قالب مینی‌سریال راهی نمایش خانگی شود

روز بلوا در ۳ قسمت

صفحه ۸

آیت‌الله محسن مجتهد شبستری، عضو مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت نظام دار فانی را وداع گفت

درگذشت مجتهد مجاهد

صفحه ۲

رهبر انقلاب در دیدار نخبگان جوان و استعدادهای برتر علمی، غفلت و غارت را ۲ هدف مکمل استعمارگران از القای ناتوانی در ملت‌ها برشمردند

غفلت کنیم غارت می‌شویم

اینکه عناصری در بعضی دانشگاه‌ها جوان نخبه را از آینده مأیوس و او را به ترک میهن تشویق می‌کنند، صریحا خیانت به کشور و دشمنی با آن است

مسأله هوش مصنوعی در اداره آینده دنیا نقش دارد و باید به گونه‌ای عمل کنیم که ایران جزو ۱۰ کشور برتر هوش مصنوعی در دنیا قرار گیرد

صفحه ۲

تیترهای امروز

آمارها حاکی از ثبت رکوردهای جدید ابتلا و مرگ ناشی از کرونا در اروپاست

اروپا در وضعیت قرمز

■ مرکل: شرایط از آغاز بحران کرونا در آلمان بدتر از همیشه است

صفحه ۷

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۲۰ و ۶۰ درصد ایران خبر داد

بازرسی از بازرسان آژانس

صفحه ۲

مدیرعامل شرکت توانیر خبر داد: طرح دولت برای حذف یارانه پنهان مشترکان پرمصرف برق

خداحافظی یارانه با پرمصرف‌ها

■ مصرف ۸۵ درصد برق کشور توسط ۱۵ درصد مشترکان

صفحه ۳

ضمیمه طنز راه راه
۱۷۸
قرار شده کنکور سراسری ۲ بار در سال برگزار شود!
آموزش کنکور کلم‌پیچ

صفحه ۵

نگاه

راهی برای جلوگیری از نسل‌کشی خاموش در ایران

محمدکاظم انبارلویی: دولت‌های ایران در دهه ۷۰ بر اثر غفلت راهبردی و جهل از آینده‌پژوهی، وارد دامی با دسیسه سازمان‌های جهانی شدند که جمعیت کشور را رو به کاهش خواهد برد. امروز کاهش زاد و ولد در کشور در حال مبدل شدن به یک «ابربحران» است.

انقلاب اسلامی صاحب یک کشور جوان شد اما پس از ۳ دهه بر اثر یک غفلت راهبردی در سراشیبی پیری جمعیت افتاده است. نقشه دشمنان این بود که تا سال ۲۰۵۰ ایران کشوری کهنسال با همسایگانی جوان باشد.

طی ۳ دهه اخیر کشور به سرعت رو به پیری و سیاهچال جمعیتی رفته و اگر چاره‌ای اندیشیده نشود، تا ۱۵۰ سال دیگر هم نمی‌توانیم از این سیاهچال بیرون بیاییم. سیاست‌های وزارت بهداشت در دهه دوم انقلاب با شعار «فرزند کمتر؛ زندگی بهتر» در حقیقت به سمت یک نسل‌کشی خاموش با هزاران سقط در روز با بهانه‌های واهی رفت و اکنون آثار وحشتناک آن را به صورت ظهور نسلی پیر و فرسوده مشاهده می‌کنیم.

می‌گفتند کشور کشش تأمین تغذیه فرزندان بیشتر و تصاعد جمعیت را ندارد و حتی در نرخ باروری دستکاری می‌کردند تا سیاست‌های شوم کنترل جمعیت را توجیه کنند. اکنون با نرخ باروری ۱/۶ درصد در سراشیبی سقوط نفوس قرار داریم که رهایی از آن مشکل است. ۱۰ سال قبل طرحی در «شورای عالی انقلاب فرهنگی» به تصویب رسید اما در عمل اتفاقی نیفتاد و یک دهه مهم از دست رفت. یکی از مطالبات رهبر حکیم انقلاب اسلامی از مجلس یازدهم این بود که اهتمام ویژه‌ای در این باب داشته باشد؛ از این رو طرح «جوانی جمعیت و حمایت از خانواده» تهیه و پس از یک سال در مجلس تصویب شد و به تأیید شورای نگهبان رسید. اینک قانون «جوانی جمعیت» با بیش از ۲۰۰ حکم، همه ابعاد امر خطیر افزایش جمعیت را چاره‌جویی کرده و با مسأله‌شناسی دقیق و ریزبینانه، ۲۰ مانع اساسی را از پیش پا برداشته تا کشورمان از «سیاهچال جمعیتی»ای که دشمنان ملت برای نابودی ایران و ایرانیان تعبیه کردند، نجات یابد.

امروز ما یک قانون جامع و کامل و تقریبا بدون نقص برای اجرا داریم که می‌توانیم مسیر درستی را طی کنیم. اجرای این قانون، کشور را از سقوط به یک آینده هولناک نجات می‌دهد. ماده به ماده این قانون پاسخگوی شبهات «موهوم» و «محتمل» کسانی است که اوایل انقلاب با سیاست «فرزند کمتر؛ رفاه بیشتر» ملت را در این مخمصه انداختند.

سیاست بایدن در مقابله با اژدهای زرد چیست؟

یادداشت

فرزانه دانایی: یکی از موضوعات مهم در سیاست خارجی ایالات متحده بعد از روی کار آمدن دولت بایدن، تعیین سیاست‌های دولت جدید این کشور در قبال منطقه شرق آسیا بویژه چین بوده است. رقابت‌های اقتصادی ایالات متحده و چین در زمان ترامپ در نهایت منجر به بروز جنگ تجاری بین ۲ کشور شد و هیچ کدام از طرفین نیز نتوانستند مذاکره خوبی برای حل‌وفصل مشکلات‌شان داشته باشند. دولت بایدن تلاش دارد از میزان دشمنی‌ها و مواجهات رودررو کاسته و جنگ تجاری را به سمت رقابت اقتصادی ببرد. بر همین اساس سیاست دولت ترامپ با عنوان «رقابت بین ابرقدرت‌ها» در حال تبدیل شدن به «رقابت استراتژیک» است؛ واژه‌ای که دولت بایدن در توصیف رقابت اقتصادی با چین به کار می‌برد.

اگر در زمان دولت دونالد ترامپ، تمام رقابت بین چین و آمریکا در مساله تجارت خلاصه شده بود و تلاش می‌شد جلوی رشد اقتصادی چین تا حد ممکن گرفته شود، چارچوب ذهنی دولت بایدن از سال‌ها پیش و در زمان دولت اوباما در این باره شکل گرفته و کاملا متفاوت از چیزی است که دولت ترامپ به آن توجه می‌کرد. چارچوب فکری دولت اوباما درباره چین شامل رقابت اقتصادی و در عین حال همکاری مشترک بین‌المللی برای مواجهه با مسائل و بحران‌های بین‌المللی مانند تغییرات آب‌وهوایی، بحران‌های اقتصادی و مالی، تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و همچنین سلاح‌های سایبری بود. دولت بایدن در همین باره می‌خواهد رقابت‌های اقتصادی و تجاری بین ۲ ابرقدرت را به «رقابت استراتژیک» بین آنها تبدیل کند، یعنی در مسائل اقتصادی و تجاری همچنان رقابت وجود دارد اما این رقابت نمی‌تواند مانع همکاری‌های بین‌المللی شود. در واقع مساله‌ای که دولت بایدن مطرح می‌کند این است که برای مواجهه با مشکلات جهانی مانند شیوع بیماری‌های مختلف و مقابله با تغییرات آب‌وهوایی نباید سر دشمنی با چین داشت، بلکه باید با سیاستی استراتژیک به دنبال همراستا کردن چین با اهداف آمریکا بود. بر همین اساس است که مشاهده می‌شود سیاست‌های دولت بایدن در مقابل چین تفاوت چندانی با سیاست ترامپ ندارد اما در عین حال نوع مواجهه با دولت «شی جین پینگ» و رفتار بین ۲ ابرقدرت اقتصادی، محترمانه‌تر است.

تماس و دیدار تصویری روز سه‌شنبه رؤسای جمهوری چین و آمریکا نشان داد چنین سیاستی در اولویت کاری دولت بایدن قرار دارد. با وجود اینکه انتظار می‌رفت در تماس تصویری ۲ رئیس‌جمهور، ادبیات ۲ طرف مانند زمان ترامپ همراه با سیاست‌های تهاجمی باشد، نتایج این دیدار نشان داد دولت بایدن قصد دارد از میزان تنش‌های سیاسی کاسته و زمین بازی را به سمت رقابت‌های کاملا اقتصادی پیش ببرد؛ بر همین اساس بود که بایدن به نمایندگی از دولت آمریکا اعلام کرد سیاست «چین واحد» را به رسمیت شناخته و مخالف استقلال تایوان است.

این مساله با این حال باعث نشد امکان احتمال رویارویی نظامی ۲ کشور در دریای جنوبی چین یا تایوان به حاشیه برود. تحلیلگران آمریکایی اعتقاد دارند دولت بایدن بزودی سیاست شفافی را درباره مسائل حوزه شرق آسیا اعلام خواهد کرد؛ سیاستی که تاکنون به دلیل برخی ملاحظات به صورت عمدی، غیرشفاف بود و توضیحی درباره آن داده نمی‌شد. به عنوان مثال سیاست اصلی دولت‌های آمریکا درباره درگیری‌های احتمالی بین چین و تایوان تاکنون، اتخاذ موضع مبهم بوده است؛ بدین معنی که دولت آمریکا هیچ‌گاه اعلام نمی‌کرد اگر چین استقلال تایوان را از این منطقه بگیرد یا قصد حمله نظامی به آن را داشته باشد، چه واکنشی نشان خواهد داد اما بر اساس گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌های آمریکایی، انتظار می‌رود بزودی سیاست اصلی آمریکا در این باره اعلام شود و آن حمایت از تایوان در مقابل حمله احتمالی پکن است.

پکن نیز در مقابل، نگرانی‌های خاص خود را در منطقه دارد و در مذاکره روز سه‌شنبه هم اعلام کرد حضور نیروهای نظامی آمریکا در دریای چین جنوبی و تحرکات آنها از نظر چین بازی آمریکا با آتش است. اگرچه ۲ کشور در زمینه مسائل نظامی تا حدودی فضا را برای یکدیگر شفاف و از مواضع خود با روشنی و قاطعیت دفاع کرده‌اند، درباره مسائل اقتصادی و رقابت‌های استراتژیک همچنان سوالات زیادی پابرجاست. دولت آمریکا قرار نیست در مقابل جلو افتادن چین در تکنولوژی‌های برتر روز، موضع نرمی بگیرد و همچنان به دنبال ایجاد محدودیت برای پکن درباره دستیابی به تکنولوژی‌های نوین و فروش آنها به سایر کشورهای اروپایی یا آسیایی است. ۲ کشور همچنین درباره رقابت‌های فضایی نیز با یکدیگر اختلافات زیادی دارند و در جلسات بعدی همچنان باید درباره مبارزه با گسترش سلاح‌های هسته‌ای با یکدیگر گفت‌وگو کنند. برای چین که این روزها بشدت به احتمال درگیری نظامی با آمریکا فکر می‌کند و مانورهای محرمانه و خاصی برای مقابله با ناوهای آمریکایی برگزار کرده است، انتظار داشتن روابط مسالمت‌آمیز مبتنی بر همکاری‌های بین‌المللی چندان هم در دسترس نیست. با این حال در برخی زمینه‌های مشترک می‌توان همکاری‌هایی را در این باره مشاهده کرد. توافق چین و آمریکا برای همکاری گسترده ۲ کشور در زمینه مقابله با تغییرات آب‌وهوایی را می‌توان در همین راستا تحلیل کرد.

اگر در دولت ترامپ از رقابت‌های اقتصادی پکن و واشنگتن با عنوان «جنگ سرد تجاری» یاد می‌شد، در دولت بایدن باید از این نوع رقابت‌ها با عنوان «رقابت‌های استراتژیک» یاد کرد که بنا به پیچیدگی جامعه امروز بین‌الملل، دارای ابعاد و لایه‌های متفاوتی است و نمی‌توان آن را صرفا در یک چارچوب ساده‌انگارانه رقابت اقتصادی تحلیل کرد. در سال‌های اخیر چین و آمریکا در زمینه‌های متفاوتی با یکدیگر رقابت می‌کنند و فضای رقابتی ۲ ابرقدرت، نه تنها در زمینه مسائل تجاری یا نظامی، بلکه در زمینه مسائل مرتبط با فضای سایبری، اکتشافات و جاه‌طلبی‌های فضایی، دستیابی به آخرین سلاح‌های با تکنولوژی بالا مانند موشک‌های هایپرسونیک و همچنین رقابت در زمینه تاثیرگذاری بر مناطق مختلف جهان است. به همین دلیل است که زمین مقابله آمریکا و چین زمینی کاملا پیچیده با طیف متنوعی از اتفاقات و رویدادهاست.

ادامه در صفحه ۶

آبان ۹۸ و رسانه ملکه انگلیس؛ مستندسازی یا وارونه‌نمایی و جعل حقیقت؟

دیدگاه

حامد سرلکی: ماجرای آبان ۹۸ که در سایه بی‌درایتی دولت وقت و با پی‌ریزی و حمایت ضدانقلاب نسج و نضج یافت و به جان باختن چند تن از هموطنان و ایراد خسارات چند صد میلیاردی به بیت‌المال انجامید، اواخر آبان ۹۸ پس از گذشت چند روز از التهاب در برخی شهرهای ایران با خروش ملت علیه اراذل اجاره‌ای خاتمه یافت.

مشخص آنکه مسائلی مانند عدم اقناع افکار عمومی درباره افزایش نرخ بنزین، تصمیمات غیرمشورتی دولت و نحوه بد اجرای مصوبات سران قوا باعث آغاز برخی اعتراضات پراکنده در ۲۴ و ۲۵ آبان ۹۸ در برخی شهرها شد. اگرچه برخی معتقدند از منظر جامعه‌شناختی و سیاسی شکل و شمایل برخی اعتراضات بنزینی به حق بود اما اکنون بعد از گذشت ۲ سال همه تحلیلگران اذعان دارند با ورود و طرح‌ریزی جریان ضدانقلاب، ماهیت اعتراضی و مسالمت‌آمیز تجمعات به بلوا، قانون‌شکنی و آشوب در ایران تبدیل شد؛ حوادثی که ۴۰ سال است نظام سلطه رؤیای تکرار و استمرار آن را در سر می‌پروراند. اگرچه بصیرت ملت ایران همه نقشه‌های اپوزیسیون و بیگانه را نقش بر آب کرده است اما آنها باز هم بیکار ننشسته و هر از گاهی با ساخت موسیقی و کلیپ، برگزاری دادگاه‌های نمادین، اتهام‌زنی‌های حقوق بشری و مستندسازی‌های جعلی نظام جمهوری اسلامی و مدیریت رهبر معظم انقلاب را آماج حملات خود قرار می‌دهند. این دست برنامه‌ریزی‌ها کم نیستند؛ دشمنان نظام اسلامی در طول چند دهه گذشته از حادثه کوی دانشگاه (۷۸) تا اعتراضات ۹۶ و ۹۸ سعی داشته‌اند با موج‌سواری بر اعتراضات اجتماعی و اقتصادی، کلیت نظام جمهوری اسلامی را زیر سوال برده و با وارد آوردن فشار سیاسی - اقتصادی بر حاکمیت جمهوری اسلامی، نظام اسلامی را در برابر خواسته‌های خود به زانو دربیاورند.

طی روزهای اخیر پس از به سنگ خوردن تیر دشمن در هک سامانه هوشمند بنزین، فعالیت‌های تبلیغی گروه‌ها و رسانه‌های ضدانقلاب به بهانه پرونده آبان ۹۸ تشدید شده است. نظام سلطه با برگزاری نمایشی مبتذل (برگزاری ۵ جلسه مشابه با یک دادگاه در لندن) و الصاق کردن ۲ واژه «مردمی» و «بین‌المللی» به دادگاهی صوری سعی کرده است وقایع آبان ۹۸ را زنده و افکار عمومی را علیه جمهوری اسلامی تهییج و تحریک کند. دادگاه مذکور نه وجاهت حقوقی یا سیاسی داشت و نه نمایندگانی از مردم ایران. حضور چند قاضی بازنشسته و گمنام در کنار حضاری محدود و دستچین‌شده توسط گروه‌های ضدانقلاب و صحنه‌گردانی یکی از خبرنگاران سابق جریان اصلاحات، تمام سطح به ظاهر کنشگری و بنیه تبلیغی گروه‌های یادشده بود.

از نکات قابل توجه پس از برگزاری آخرین جلسه دادگاه لندن، موضوع پیمانکاری دادگاه مزبور بود که محل جدال و دعوای ۲ گروه از جریان ضدانقلاب (سلطنت‌طلب‌ها و منافقین) قرار گرفت و اساسا موجی استهزاگونه از رفتار کودکانه فعالان ضدانقلاب را به وجود آورد. نکته جالب توجه، میزبانی روباه پیر و برگزاری دادگاه صوری در شهر لندن است که خود نشان‌دهنده عمق خیانت‌ها و خباثت‌های انگلیس علیه ملت ایران است.

بجاست دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی موارد اعتراضی خود نسبت به سیاست‌های خصمانه دولت انگلستان علیه ملت ایران را ابراز کرده و اساسا چرایی میزبانی شهر لندن برای گروه‌های معلوم‌الحال و فرصت‌طلب ضدانقلاب را به چالش بکشد.

شیطنت و خباثت انگلیسی‌ها علیه ایران در حالی آشکارا مشخص است که این دولت همواره در روزهای اخیر با پیام‌های بسیاری خواستار آزادی یکی از جاسوس‌های دوتابعیتی دستگیرشده در ایران شده است.

پس از به خطا رفتن پیکان اتهام‌زنی‌های ضدانقلاب در ماجرای دادگاه لندن در چند روز گذشته، این بار بخش فارسی شبکه BBC سعی کرد با ساخت گزارشی جعلی بر مدار عبور از واقعیات میدانی آبان ۹۸، فاز دیگری از حملات علیه نظام جمهوری اسلامی را کلید بزند. جالب آنکه گزارش بی‌بی‌سی همزمان شده بود با پخش مستند «پشت پرده؛ روایت مهار آشوب آبان ۹۸» در شبکه سوم صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران.

رسانه ملکه انگلیس تلاش کرد با امنیتی خواندن رویکرد رهبر معظم انقلاب در قبال ماجرای بنزینی ۹۸، از نحوه شکل‌گیری وقایع آبان ۹۸ روایت‌های غلطی را ارائه کند. عدم پخش تصاویری از حضور افراد نقابدار در میان اغتشاشگران، سانسور عکس‌ها و فیلم‌هایی از تخریب و تحریق و ایراد خسارت به اموال عمومی از سوی آشوبگران، عدم انتشار تصاویر و ویدئوهای برخورد خشن اشرار با منتقدان، بستن خیابان‌ها و انتشار بیانیه‌های حمایتی گروه‌های تروریستی مانند منافقین، حمایت گسترده آمریکا و اروپا از اغتشاشگران و... حقایقی است که گزارشگر بی‌بی‌سی تلاش کرد از آنان عبور کند و تنها وجهی از بیانات آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای را به عنوان یکی از اسناد برخورد خشن نیروهای انتظامی با مردم(!) بازنمایی کند، در حالی که رهبر انقلاب در ماجراهایی مانند فتنه ۸۸ یا غائله آبان ۹۸ همواره به ملت ایران نسبت به نفوذ دشمن هشدار دادند و خط «مردم» را از «اشرار» و «آشوبگران» جدا کردند و بصیرت و آگاهی مردم در برابر دسیسه‌های دشمنان را مورد تمجید و تقدیر قرار دادند. رهبر انقلاب در برابر اعتراضات اجتماعی هرگز رویکرد امنیتی نداشته‌اند. به خاطر همین واقعیت است که شبکه انگلیسی آنجا که رویکرد رهبری در فتنه کوی دانشگاه را روایت می‌کند، این بخش از سخنان رهبر انقلاب در غائله ۱۸ تیر را سانسور می‌کند که به جوانان فرمودند: «مگر من بارها نگفته‌ام در اجتماعات کسانی که مخالفند، هیچ‌کس نباید رفتار خشونت‌آمیز داشته باشد؛ چون این، دشمن را خوشحال می‌کند. بارها ما این حرف را گفتیم، چرا گوش نکردند؟! چرا گوش نمی‌کنند؟! حتی اگر یک حرفی که خون شما را به جوش می‌آورد به زبان آورند - مثلا فرض کنید اهانت به رهبری کردند- باز هم باید صبر و سکوت کنید. اگر عکس مرا هم آتش زدند یا پاره کردند، باید سکوت کنید».

مستندسازان رسانه دولتی انگلستان فراموش کرده‌اند - یا خود را به فراموشی زده‌اند - که بنا بر اعترافات خود آنها، این اعتراضات را خودشان ساماندهی کرده‌اند. امیرحسین اعتمادی، یکی از اعضای سازمان دانش‌آموختگان لیبرال ایران در همان برهه در گفت‌وگو با همین شبکه BBC فارسی گفته بود: «اعتراضات اخیر ایران هم رهبر ملی دارد و هم فرمانده میدانی؛ ۳-۲ سال است برای این اعتراضات سازمان‌دهی و شبکه‌سازی و حتی شعارنویسی شده است».

روشن است رهبر معظم انقلاب به عنوان سکاندار کشتی جمهوریت و قانون‌گرایی در کشور علاوه بر تضمین چندباره مقوله اعتراض و نقد در کشور و حمایت همه‌جانبه از باز نگاه داشتن در انتقاد از وضعیت موجود، رویه‌ای مقاوم و استوار در برابر هرگونه قانون‌شکنی و تعرض داشته‌اند، لذا رسانه دولتی انگلستان چه با امنیتی خواندن رویکرد رهبری و چه با انتشار تقطیع شده بیانات معظم‌له، نخواهد توانست اصل حراست از امنیت جامعه به دست حاکمان آن جامعه را زیر سوال ببرد؛ اصلی که چه در گذشته، چه حال و چه در آینده در تمام حکومت‌ها و با هر اندیشه‌ای به عنوان یکی از اصول اساسی امنیت ملی در نظر گرفته شده است.

نکته دیگر آنکه اگر به چرایی و کم و کیف سرمایه‌گذاری ضدانقلاب برای تنش‌زایی و اغتشاش‌آفرینی در ایران بپردازیم، درخواهیم یافت برخی محافل و رسانه‌های ائتلاف «صهیونیستی - عربی - غربی» در برهه‌های مختلف تا ایام منتهی به آبان ۹۸ از تلاش برای بحران‌سازی داخلی در ایران به صراحت سخن به میان آورده‌اند؛ از علاقه جان بولتون و دولت ترامپ برای ایجاد «تابستان داغ [سال ۱۳۹۷]» در ایران گرفته تا اذعان برخی اندیشکده‌های غربی مبنی بر ایجاد فشار اقتصادی برای بحران‌سازی اجتماعی در ایران؛ همه و همه نشان‌دهنده آن است که موضوع بحران‌سازی در ایران و تعمیم آن به موضوعات معیشتی، قبل‌تر از آبان ۹۸ طراحی و برنامه‌ریزی شده بود.

به عنوان یک نمونه، در همین باره روزنامه لبنانی «الأخبار» در دومین قسمت از گزارش‌های جدید «سعودی‌لیکس» که موضوع آن افشای طرح پیشنهادی ریاض به آمریکا برای براندازی ۳ ساله در ایران از سال ۲۰۱۷ (۱۳۹۶) است، از ۲ طرح سعودی برای ایجاد آشوب در داخل ایران خبر داد.

طرح عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران بخشی از طرح کلی «چارچوب شراکت راهبردی قرن بیست‌ویکم بین ایالات متحده و پادشاهی عربی سعودی» است که ریاض ژوئن ۲۰۱۷ (بهار ۱۳۹۶) که ترامپ به عربستان سفر کرد، آن را ارائه کرد. طبق این گزارش، در مقدمه سند سعودی آمده است: «تلاش مشترک ۲ کشور (عربستان و آمریکا) برای تحقق بیشترین حد ممکن از این طرح‌ها، مقابله با سیاست‌های ایران را تسریع می‌کند».

این سند، شامل ۲ طرح موازی است که رژیم سعودی برای تقابل با سیاست‌های ایران تدوین کرده و ۲ نام نمادین برای آن انتخاب شده است: «نمرود» و «عنکبوت». هدف از این ۲ طرح، «بی‌ثبات کردن داخل ایران تا پایین‌ترین حد ممکن و تلاش برای مطیع کردن رژیم ایران به طوری که در بالاترین حد ممکن در خدمت منافع پادشاهی عربی سعودی(!) و ایالات متحده آمریکا باشد» است. یادآور می‌شود گزارش مزبور در تاریخی قبل‌تر از اغتشاشات آبان‌ماه ۹۸ منتشر شده است.